



شماره ۳۷۰



ضمیمه نوجوان روزنامه

www.qudsonline.ir

یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ | ۱۰ شعبان ۱۴۳۸ | ۷ می ۲۰۱۷

ته‌تفاری که
یک مأموریت سری دارد
این بچه
رئیس است



لحظه به لحظه با حادثه
تلخ معدن گلستان

ساعت
صفر

نوبت ما که شد
بودجه‌ها
نه کشید



علی نخعی اهل کرمان ۱۸ ساله است و در مدرسه دولتی پیامبر اعظم (ص) درس می‌خواند. او در یک خانواده با چهار خواهر و برادر بزرگتر و سه خواهر کوچکتر به دنیا آمده است و همه خواهر و برادرهایش از رواج کرده‌اند و موفقیت و تحصیل آن‌ها در شرایط علی بی‌تأثیر نبوده است. او در مقطع پیش‌دانشگاهی درس می‌خواند و رتبه دوم مسابقات خوارزمی در شاخه مکانیک را به دست آورده است. گفت‌وگوی ما را با او می‌خوانید.

ملیحه محمودخواه | شاید شما هم از آن دست افرادی باشید که به ورزش‌های رزمی علاقه دارند. اگر در آینده روزی به سراغ این ورزش‌ها رفتید و دیدید یک روبات به جای یک آدم میت‌بوکس را در دست دارد و هرچقدر شما به آن ضربه می‌زنید، هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهد و از جا در نمی‌رود، اصلاً تعجب نکنید. شاید تا آن موقع قدر وسیله‌ای را که «علی نخعی» طراحی کرده است، بدانند و آن را به تعداد همه ورزشگاه‌ها ساخته باشند. علی نخعی اهل کرمان و ۱۸ ساله است و در مدرسه دولتی پیامبر اعظم (ص) درس می‌خواند. او در یک خانواده با چهار خواهر و برادر دیگر بزرگ شده و خودش آخرین بچه خانواده است و همه خواهر و برادرهایش از دواج کرده‌اند و موفقیت و تحصیل آن‌ها در شرایط علی بی‌تأثیر نبوده است. او در مقطع پیش‌دانشگاهی درس می‌خواند و رتبه دوم مسابقات خوارزمی در شاخه مکانیک را به دست آورده است. گفت‌وگوی ما را با او می‌خوانید.

گفت‌وگو با رتبه دوم مسابقات خوارزمی در شاخه مکانیک

نوبت ما که شد
بودجه‌ها ته کشید

این میت‌بوکس برنامه‌پذیر یعنی چه؟

افرادی که بوکس بازی می‌کنند می‌دانند که برای زدن ضربه و در تمرینات، یک نفر یک وسیله به نام میت را در دست می‌گیرد و آن‌ها باید به آن ضربه بزنند، اما اگر ضربه‌ها سنگین باشد یا آن را محکم نگیرند، میت از دستشان می‌افتد. اما این دستگاهی که من آن را طراحی کرده‌ام، یک روبات است که می‌تواند آن را برنامه‌ریزی کند و در واقع نقش همان فردی را دارد که میت را به دست می‌گیرد. او با هیچ قدرت ضربه‌ای از جا در نمی‌رود و میت از دستش نمی‌افتد و این‌طور ورزشکار با خیال راحت می‌تواند ورزش کند.



چطور ایده ساخت این وسیله به ذهنت رسید؟

از زمانی که کلاس اول راهنمایی بودم، ایده ساخت وسایل مختلف را می‌دادم. در واقع مدام در این فکر بودم که ایده‌ای بدهم و وسیله جدید و کاربردی بسازم، تا اینکه سال سوم راهنمایی به ورزش کینگ‌بوکسینگ که یک ورزش رزمی است علاقه‌مند شدم، اما وقتی به باشگاه می‌رفتم، بچه‌هایی را می‌دیدم که پشت این میت می‌ایستادند و گاهی از ضربه‌ها واهمه داشتند و گاهی هم چون ضربه‌ها محکم بود، میت از دستشان می‌افتاد. همین شد که کلی فکر کردم تا بتوانم چیزی بسازم که جای افراد را بگیرد و کاربردی هم باشد و سرانجام ایده این وسیله به ذهنم رسید. سال اول دبیرستان این را طراحی کردم و تحقیق و پژوهش و بررسی آن تا سال سوم طول کشید، اما بالاخره نتیجه داد و موفق شدم آن را پیاده کنم.

چند پرسش با محوریت سبک زندگی دارم که شما هم کوتاه به آن‌ها پاسخ بدهید.

چقدر تلویزیون می‌بینی؟ خیلی کم. اهل تلویزیون نیستم، ولی چون همیشه تلویزیون در خانه روشن است، در هنگام غذا خوردن برنامه‌ها را می‌بینم.
چقدر می‌خوابی؟ در شبانه‌روز ۵ ساعت
آن وقت چقدر درس می‌خوانی؟ ۵ یا ۶ ساعت مفید. البته گاهی به ۱۲ ساعت هم می‌رسد.
چه فیلم‌هایی می‌بینی؟ کمتر فیلم می‌بینم، اما به برنامه‌های علمی خیلی علاقه دارم.
فضای مجازی؟ یک ساعت.
چه ساعتی می‌خوابی؟ ۱۲ شب می‌خوابم و صبح خیلی زود برای مرور درس‌ها بیدار می‌شوم.

چه مشکلاتی سر راه پژوهش بچه‌ها قرار دارد؟

پژوهش در دوران دانش‌آموزی خیلی سخت است. می‌دانم که حدود ۶ سال قبل، کلی بودجه و پول در اختیار مدارس قرار می‌دادند تا بچه‌ها بتوانند کارهای تحقیقی خودشان را انجام دهند، اما مشکل اینجاست که نوبت به ما که رسید، این بودجه‌ها ته کشید و حالا آموزش و پرورش خیلی کم هزینه کارهای تحقیقی بچه‌ها را می‌پذیرد و در واقع می‌توانیم بگوییم سازوکار پژوهشی بچه‌ها تکمیل نیست؛ نه هزینه‌های کارها را می‌دهند و نه افرادی هستند که در این امر به بچه‌ها کمک کنند.

خانواده‌ات چقدر در این راه به تو کمک کردند؟

آن‌ها از ابتدا راه را برایم باز کردند و گفتند سراغ هر رشته و درسی که علاقه داری، برو. من هم از اول دبیرستان روی کار پژوهشی تمرکز کردم و تقریباً سه سال مدام روی این طرح کار کردم، اما این اواخر فهمیدم چه اشتباهی کرده‌ام.

چه اشتباهی؟

خوب کارهای پژوهشی باعث می‌شود از درس خواندن بمانی، اما مشکل اینجاست که اگر این کار به نتیجه نرسد، در واقع هم درس خواندن را از دست داده‌ای و هم تمام وقت را تلف کرده‌ای. این کار ریسک بزرگی است.



چقدر اهل فضای مجازی هستی و در آن می‌چرخي؟

ببینید هر دوره‌ای که می‌آید، بچه‌ها در سن پایین‌تری با تکنولوژی آشنا می‌شوند و فضای مجازی نیز از زندگی هم‌سن‌وسال‌های ما جدا نیست، اما از طرفی هم این خود ما هستیم که خودمان را باید محدود کنیم، زیرا این فضا نامحدود است و هرچقدر در آن وارد شوی، بازهم انگار ته ندارد. به همین دلیل کنترل آن دست خود ماست. من سال‌های قبل برای تحقیقاتم بیشتر سراغ اینترنت و فضای مجازی می‌رفتم، اما امسال کنکور دارم و ترجیح می‌دهم بیشتر درس بخوانم و روزی یک ساعت بیشتر سراغ گوشی و کلا اینترنت نمی‌روم. در واقع به‌خاطر کنکور، خیلی چیزها را قطع کرده‌ام و سعی می‌کنم امسال متمرکز باشم.

زنگ
پژوهش



یعنی الان به دوستانی که علاقه به کار پژوهشی دارند، می‌گویی این کار را انجام ندهند؟

نه! این‌طور نیست! این موضوع می‌تواند خیلی روی شکل‌گیری شخصیت افراد هم تأثیر بگذارد؛ زیرا ارتباط با افراد مختلف باعث می‌شود روابط اجتماعی بین گروه‌ها و مردم بیشتر شود و بار علمی نیز بالا برود، اما چیزی که به‌نظرم مهم است این است که از تجربه دیگرانی که راه را قبل از آن‌ها رفته‌اند، استفاده کنند. همیشه تعادل بین درس و پژوهشان برقرار کنند و این‌طور نباشد که از درس جا بمانند، زیرا اگر این اتفاق بیفتد، تازه وقتی به کنکور نزدیک می‌شوند، می‌بینند که از قافله عقب مانده‌اند و برای رسیدن به بقیه باید بدوند.

پس امسال حسابی به درس چسبیده‌ای؟

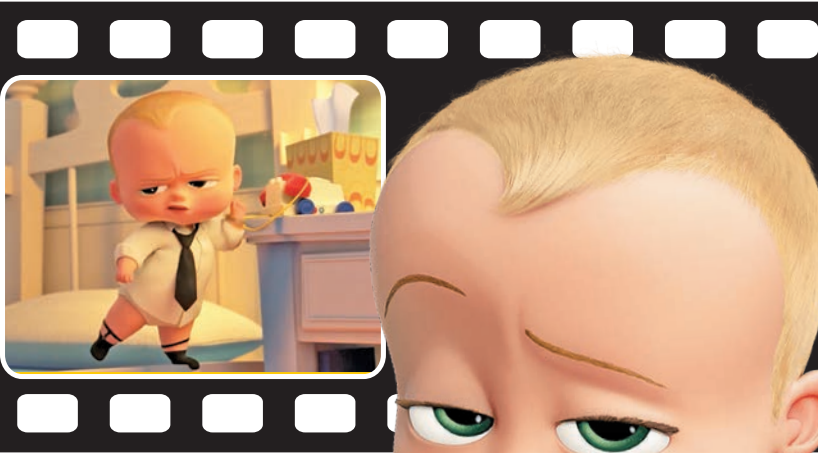
امسال کنکور داریم و من هم بیشترین وقتم در سال‌های گذشته صرف کار تحقیقی شده و حالا باید به‌سرعت خودم را به بقیه برسانم.

با خدا چقدر رفیق هستی؟

من خودم دست خداوند را همیشه پشت سر خودم حس کرده‌ام و امیدوارم خدا هیچ‌وقت ما را به حال خودمان رها نکند که اگر این‌طور شود، بزرگ‌ترین ضرر دنیا را دیده‌ایم.

ته تغاری که یک مأموریت سری دارد

این بچه، رئیس



داستان چیست؟

«تد» و «جانیس» زن و شوهری هستند یک فرزند دارند. «تیم» کودک ۷ساله‌ای دنیای خودش مشغول تخیل و بازی کر بزرگ شدن است و البته از اینکه تک‌فرز هم هست و همیشه موردتوجه پدر و مادر خیلی هم حس خوبی دارد. اما ورود یک برادر کوچک‌تر، اوضاع را برای «تیم» به‌هم می‌ریزد، آن‌هم نه یک برادر عادی؛ برادری که از همان کودکی کت و شلوار می‌پوشد، می‌تواند مثل بزرگ‌ترها صحبت کند و درحال انجام یک مأموریت سری است. درواقع او یک «بچه رئیس» است.

این بار به بچه‌ها چه چیزی یاد بدهیم؟

انیمیشن و کلاً هر اثر نمایشی خوب است که علاوه‌بر سرگرم‌کننده بودن، حرفی هم برای گفتن داشته باشد. اکثر انیمیشن‌ها سعی می‌کنند مخاطبشان را به رعایت یک موضوع اخلاقی، کار خوب فراموش‌شده و سوز‌هایی از این‌دست دعوت کنند. البته درست است که بعضی‌وقت‌ها نحوه بیان این آموزش‌ها و شرایطی که در آن اتفاق می‌افتد، با فرهنگ ما خیلی فرق دارد و خیلی‌هایش هم اصلاً در جامعه و دین ما پذیرفته‌شده نیست، ولی آن‌هایی که شامل این موضوع نمی‌شود را می‌شود یاد گرفت و به‌کار بست. «بچه رئیس» یک حرف کلی دارد؛ آن‌هم برای بچه‌های بزرگ‌تری که صاحب خواهر و برادر کوچک‌تر می‌شوند و خدای ناکرده دچار حسادت. بعد از به‌دنیا آمدن «بچه رئیس»، «تیم» می‌بیند که دیگر کاملاً موردتوجه پدرش نیست و حتی حس می‌کند پدرش پسرِ بچه تازه متولدشده که توانایی‌های عجیب زیادی هم دارد را بیشتر از او دوست دارد. برای همین هم دنبال کار برادر را می‌گیرد تا سر از کارهای عجیب‌وغریب او دربیآورد. حالا مأموریت سری «بچه رئیس» چیست؟ کمپانی به اسم «پاپی» قرار است راه بیفتد که کارش تولید محصولی است که جلوی دوست داشته‌شدن بچه‌های کوچک‌تر در یک خانواده را بگیرد! البته «تد» خیلی زود سر از این ماجرا درمی‌آورد و در از بین بردن این کمپانی برادرش همکاری می‌کند.

سوز‌های خود را برای «ماه عسل» بفرستید

ناصر کریمان مدیر گروه اجتماعی شبکه سوم سیما درخصوص برنامه «ماه عسل» گفت: این روزها در مرحله اتاق فکر، جمع‌بندی سوز و موضوعات هستیم. او در ادامه گفت: مردم می‌توانند سوز‌های خود را به برنامه «ماه عسل» با پیام‌رسان «سروش» ارسال کنند. تاکنون حدود ۳۵۰ هزارنفر در این مجموعه اطلاعات و سوز‌های خود را ارسال کرده‌اند.

CINEMA

اخبار سینما

پایتخت ۵ به ماه رمضان نمی‌رسد

مجموعه تلویزیونی «لبنند رخساره» به کارگردانی «پهرنگ توفیقی»، تهیه‌کنندگی «زینب تقوایی» و نویسندگی «سعید نعمت‌الله» یکی از گزینیه‌های قطعی سیما برای ماه رمضان امسال است. از آنجایی‌که مضمون کلی این اثر با فضای موجود در ماه مبارک رمضان تناسب بسیاری دارد و ازطرفی هم «پایتخت ۵» به پخش رمضان نخواهد رسید، مسئولان سیما بر آن شدند تا این سریال را در این باکس مناسبتی به پخش برسانند.



لحظه به لحظه با حادثه تلخ معدن گلستان

ساعت صفر



چهارشنبه
۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶

۱۲:۰۵	به‌دلیل انفجار، معدن یورت فرور یخت. معدنچیان در عمق ۱۳۰۰ متری در فضای پر از گاز مونواکسید کربن و متان گرفتار شدند.	۱۳:۴۴	فرمانده نیروی انتظامی شهرستان آزادشهر خبر انفجار وحشتناک معدن را اعلام کرد.	۱۳:۴۴	اطلاع دقیقی از کشته‌شدگان و زخمی‌ها نیست. مردم محلی می‌گویند ۴۰ نفر در انفجار زخمی شده‌اند.	۱۴:۱۸	۶ تیم عملیاتی درحال کمک به حادثه دیدگان هستند. آمار اولیه مصدومان ۱۵ نفر بوده که ۶ نفر از آن‌ها توسط اورژانس و هلال احمر به مرکز درمانی منتقل شده‌اند.
۱۶:۰۳	تیم‌های فنی و سنگ‌های زنده‌یاب به محل حادثه آمدند.	۱۵:۲۸	۲۰ نفر از مصدومان به بیمارستان فرستاده شدند.	۱۵:۲۲	۲ بالگرد امدادی برای کمک به معدن رفتند. مصدومان به شهرهای اطراف فرستاده شدند.	۱۴:۵۰	از زمان انفجار تا این لحظه، ۱۲ کارگر معدن سالم از زیر آوار بیرون آمده‌اند.
۱۶:۱۰	۸۰ نفر در معدن حبس شده‌اند. معدن شامل دو قسمت بوده که ۴۰ نفر در یک قسمت معدن و ۳۰ تا ۴۰ نفر دیگر در سمت دیگری از معدن گرفتار شدند.	۱۷:۰۰	نمی‌توان به معدنچیان محبوس‌شده رسید.	۱۷:۱۱	حفر تونل برای رسیدن به معدنچیان محبوس‌شده آغاز شده است.	۱۷:۲۰	پیکر ۲ کارگر از زیر آوار خارج شد.
۱۰:۰۰	وزیر کار اعلام کرد: در حادثه انفجار معدن ۳۵ کارگر جان‌باختند.	۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶	مدیر کل مدیریت بحران استان گلستان مرگ ۲۱ معدنکار را تأیید کرد.	۲۲:۴۵	۲۱ پیکر کشته‌شدگان از معدن خارج شده است. این حادثه تاکنون ۶۹ مصدوم داشته است.	۲۱:۲۰	مدیر کل بحران گلستان: امکان انفجار دوباره معدن وجود دارد. مردم به محل حادثه نزدیک نشوند.

۱۰:۴۰	عملیات اکسیژن‌رسانی به اعماق معدن در حال انجام است. آواربرداری همچنان ادامه دارد.	۱۰:۵۴	در استان گلستان سه‌روز عزای عمومی اعلام شد.	۰۲:۱۱	نیروهای امدادی همچنان در حال خارج کردن اجساد از داخل معدن هستند	۹:۴۷	پیکر یک معدنچی دیگر از تونل معدن خارج شد. تعداد جان‌باختگان به ۲۲ نفر رسید.
۱۳:۴۵	احتمال حبس ۶ تا ۱۳ نفر، امداد رسانی همچنان ادامه دارد. ۸۳ نفر توسط اورژانس و هلال احمر به مراکز درمانی منتقل شدند.	۱۲:۴۶	بخش زیادی از آوار معدن یورت برداشته شده است.	۱۲:۳۱	اکیپ‌های متخصص امداد و نجات از استان‌های سمنان، کرمان، یزد و مازندران با دستور هیئت دولت و وزیر صنعت، معدن و تجارت در محل حادثه حاضر شدند.	۱۲:۳۱	۲۲ نفر از ۷۰ معدنچی حادثه‌دیده از بیمارستان مرخص شدند.
۱۴:۳۹	تعداد زیادی از کارگران معدن آزادشهر، بیمه حادثه و مسئولیت نداشتند!	۱۴:۲۸	معاون معدنی وزیر صنعت، معدن و تجارت، عدم رعایت اصول ایمنی در استفاده از استارت تر لوکوموتیو را عامل حادثه معدن زمستان یورت اعلام کرد و موضوع استشمام بوی گاز در فضای معدن را ادعایی نادرست و عوامانه دانست.	۱۴:۱۳	پیکر ۲۲ نفر پیدا و شناسایی شده است.	۱۶:۴۲	از ۲۱ جسد جان‌باختگان معدن یورت، ۱۹ نفر تعیین‌هویت شده و جواز دفن آن‌ها صادر شد.
۱۳:۵۹	پرونده قضایی در دادسرا تشکیل و تحقیقات میدانی درباره حادثه معدن آغاز شد.	۱۳:۵۲	نیروهای امدادی با عبور از ریزش اول تونل به محل ریزش دوم تونل رسیدند. نمی‌توان از سنگی که در محل ریزش دوم قرار دارد، عبور کرد.	۱۹:۵۱	چهار پیکر دیگر بعدازظهر پنجشنبه در معدن یورت آزادشهر کشف شد تا با گذشت حدود ۳۲ ساعت از حادثه، تعداد پیکرهای کشف‌شده به ۲۶ نفر برسد.	۱۳:۳۱	عملیات بازسازی و ایمن‌سازی تقریباً انجام شده و امدادگران امیدوارند به قسمت دوم تونل دسترسی پیداکنند.

۱۴:۱۳	رئیس سازمان مدیریت بحران کشور نیز امروز در محل وقوع حادثه انفجار معدن زمستان یورت آزادشهر حضور یافت.	۱۳:۵۴	۲ تُن اقلام و مواد غذایی مورد نیاز به محل حادثه منتقل شد.	۱۳:۳۴	۸۰ درصد آواربرداری ریزش اول انجام شده است.	۱۳:۳۱	تجهیزات جدید به محل حادثه ارسال شد. بیش از ۱۰ نفر هم در قسمت دوم تونل محبوس هستند.
-------	--	-------	---	-------	--	-------	--

۱۴:۵۳	تیم کارشناسی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای بررسی حادثه انفجار در معدن زمستان یورت آزادشهر وارد منطقه شد.	۱۶:۱۱	«ربات امدادگر» برای معدن یورت قابل استفاده نیست. آواربرداری تا دو روز دیگر طول خواهد کشید.	با گذشت سه‌روز از حادثه انفجار معدن زغال‌سنگ زمستان یورت آزادشهر، ۸۱ مصدوم به مراکز درمانی منتقل شدند و جسد ۲۴ معدنچی جان‌باخته از تونل خارج شد و در اختیار خانواده‌ها قرار گرفت.			
-------	---	-------	--	--	--	--	--



نعیمه موحّد | به نظر کم که ربطی به سن و سال ندارد، هر انیمیشن را که به قول معروف گل کند و خوب بفروشد، باید دید. البته می گویم انیمیشن های پر استقبال و پرفروش، برای اینکه وقت کنید به کارهای دیگر تان برسید، و گرنه دیدن انیمیشن می تواند یک سرگرمی سالم و البته جذاب در هر زمانی و برای هر سنی باشد. یکی از انیمیشن هایی که این روزها خیلی درباره آن صحبت می شود، انیمیشن «بچه رئیس» است. خوب که نگاه کنیم متوجه می شویم «بچه رئیس» از نظر محتوا خیلی هم حرف زیادی برای گفتن ندارد، اما هنر سازندگان این بوده که محتوای نه چندان جدید آن را آنقدر جذاب عرضه کنند که این روزها همه از «بچه رئیس» حرف بزنند و ما هم تصمیم بگیریم اکران این هفته «هشت» را به بررسی این انیمیشن اختصاص بدهیم. این شما و این هم یک کندوکاو در جدیدترین انیمیشن دنیا.



داستان معمولی، حواشی جذاب

همان طور که گفتیم، «بچه رئیس» داستانی معمولی دارد. یک خانواده که با فرزندشان به مشکل می خورند و مشکل برطرف می شود، یا کودکی که توانایی های عجیب و غریب دارد و در نهایت افراد خانواده با توانایی های عجیب و غریب او کنار می آیند. اما چیزی که این انیمیشن را با داستان معمولی اش موفق کرده است، استفاده از حواشی جذاب است. «تیم» یک بچه رؤیاپرداز است و برای همین هم اوایل مخاطب فکر می کند درمورد برادرش هم دچار رؤیاپردازی شده است، اما رؤیاهای او جذاب هستند و به تصویر کشیدن دنیای کودکانه او مخاطب را هم جذب می کند، ضمن اینکه رؤیاپردازی موقعیت های فانتزی زیادی در انیمیشن به وجود می آورد. خب چه کسی است که فانتزی دوست نداشته باشد؟ کمدی را هم باید به یکی دیگر از علت های جذابیت «بچه رئیس» اضافه کرد. تیم موقعیت های کمدی زیادی با پدر و مادرش دارد، ضمن اینکه «بچه رئیس» هم با همه جدی بودن و حتی اخم در چهره، اساس شخصیتش کمدی است؛ بچه ای که کت و شلوار می پوشد و کراوات می زند و در یک مأموریت سری به بقیه دستور می دهد!

در دسرهای یک شباهت

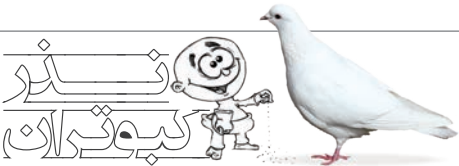
با شروع نمایش انیمیشن «بچه رئیس» این شایعه خیلی زود سر زبان ها افتاد که شخصیت اصلی این کار یعنی همان «بچه رئیس»، کاملاً شبیه «ترامپ»، رئیس جمهور آمریکا است. شباهت های رفتاری این شخصیت به رئیس جمهور آمریکا، تکرار مداوم جمله «تو اخراجی!» که همه را یاد ترامپ می اندازد و حتی صدایشه خارجی این شخصیت که مدت ها است در نقش ترامپ ظاهر می شود و کارهای او را به سخره می گیرد، در قوت گرفتن این شایعه تأثیرگذار بودند. البته سازندگان «بچه رئیس» تأکید کردند که این شباهت ها کاملاً تصادفی است و اصلاً کارهای اولیه ساخت انیمیشن را مدت ها قبل از اینکه ترامپ روی کار بیاید، شروع کرده اند. منتقدین خارجی هم با رد این ادعا نوشتند «آیا قنداق بچه در قد و اندازهای یک فیل داریم؟! نه! پس مسلماً «بچه رئیس» درباره دونالد ترامپ نیست. نه «تام مک گراث» کارگردان، نه «مایکل مک کولرز» نویسنده، نه هیچ احدی از کمپانی «فاکس» یا «دریمورکز» این ادعا را تأیید نکرده. بهتر است بگوییم که این

اقتباس از کتاب «مارلا فریزی» نوشته شده در سال ۲۰۱۰ و مناسب برای کودکان، خیلی قبل تر از سرکار آمدن دولت فعلی آمریکا تدارک دیده شده است. اما نکته ای که ذهن مخاطبان را به سمت این نتیجه گیری سوق داده، صدایشی این شخصیت جبار و ستمگر کوچک توسط «الک بالدوین» است. بالدوینی که ید طولایی در تقلید و استهزای رئیس جمهور فعلی دارد، آن هم در انیمیشنی که نوزادی آراسته به کت و شلوار دارای چنین شخصیت عجیبی است! البته باید اذعان کرد که تفاوت هایی میان این دو وجود دارد. بچه رئیس بالدوین هیچ کدام از بچه های نژادهای دیگر را دیپورت نمی کند و البته رهبری خودساخته است.

داستان انیمیشن «بچه رئیس» از روی یک کتاب به همین اسم نوشته «مارلا فریزی» ساخته شده است. فریزی نویسنده و تصویرگر ازیات لورد و نوجوان است.

انیمیشن «بچه رئیس» در روز اول اکرانش ۵/۵ میلیارد دلار فروخت. این انیمیشن را کمپانی معروف «دریمورکز» سازنده انیمیشن های پلک «شرک» و «مربی آردها» ساخته و گراث «آن را کارگردانی کرده است.





لاله‌های واژگون

دشت لاله‌های واژگون در دامنه گلستان کوه شهرستان خوانسار استان اصفهان واقع شده است. عمر این لاله‌ها از اردیبهشت تا پایان فصل بهار است.



نام‌های هم‌این رسید...

هاده‌های هشتک



دوست نوجوان من! هدهد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به‌سمت شما پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف.
اگر شما هم به هدهد کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم.
پست الکترونیکی ما، hodhod8@kpf-khr.ir

دوست من! آیا می‌دانی بخش مکاتباتی مرکز آفرینش‌های ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به نوجوانانی که نوشتن را دوست دارند کمک می‌کند تا بهتر از قبل بنویسند و با آثار شاعران و نویسندگان بزرگ، بیشتر آشنا شوند؟ این دوستی با نامه‌نگاری ادامه پیدا می‌کند. دوست داری یکی از این نامه‌ها را بخوانی؟

با عرض سلام خدمت شما دوست عزیز! امیدوارم حالتان خوب و خوش باشد. از این‌همه لطفی که به من داشتید و داستان من را خواندید بسیار متشکرم. امیدوارم از داستانی که این‌بار برایتان می‌فرستم هم خوشتان بیاید. من الان کلاس هشتم هستم و ۱۴ سال بیشتر ندارم. از نوشتن و خواندن متن‌های ادبی بسیار لذت می‌برم. همیشه سعی می‌کنم که متن‌ها، انشاهایم ادبی باشد و یا موضوع خیالی داشته باشد و امیدوارم همان‌طور که کسی آن را می‌خواند، در ذهنش همان لحظه تصور کند. امیدوارم از این داستان خوشتان بیاید.

تا حالا مشهد را ندیده بودم. مشتاق آن بودم که گنبد طلایی اختر تابناک ولایت را ببینم. بالاخره رسیدیم. هتلی در خیابان امام رضا(ع) گرفتیم و آنجا را برای توقف انتخاب کردیم. هنوز استراحت نکرده بودیم که کیفم را برداشتم و می‌خواستم از هتل خارج شوم که مادرم گفت: «کجا می‌ری؟» گفتم: «می‌روم تا اگر شاه خراسان من را بطلبید به او سری بزنم. هرچه مادرم گفت بایست تا با هم برویم. گوشم بدهکار نبود. پس به‌راه افتادم. به خیابان اصلی رسیدم. جای ایستگاه اتوبوس منتظر ایستادم. یک‌چیزی که توجهم را به خودش جلب کرده بود این بود که همه به نشانه احترام به‌سوی یک مکان خود را تا کمر خم می‌کردند. سرم را برگرداندم. بله! شکوه و رنگ زرین آن چشمانم را به‌سوی خود جلب کرد. من هم به نشانه احترام خم شدم. با زبان خودم سلام کردم «به درگاه ضامن آمدن باز/ که آیم همچو شاهینی به پرواز» از خوشحالی بال درآوردم. فکرش را هم نمی‌کردم که به این زودی من را بطلبید. به‌راه افتادم. به‌سوی پناهگاه زائران به‌راه افتادم. چه شکوهی دارد! زائرانی را می‌دیدم که به پای پیاده از شهرهای دور به دیدن او می‌آیند. حس عجیبی بود. گلدسته‌های حرمش همانند معراجی به‌سوی خدا رفته بودند. به حرم رسیدم. سلام کردم. در صحن آن پرنده‌هایی را دیدم که در اطراف حرم درحال پرواز بودند. به داخل صحن که رسیدم، جلا و زیبایی آینه‌کاری‌های آن، چشمانم را خیره کرده بود. واقعا به خودم افتخار کردم که به آرزوی دیرینه‌ام رسیده‌ام. در حرم ماندم و تمام زائران، کیوتران و حتی خادمان آن را که با پوششی آراسته و زیبا به درگاه امامشان خدمت می‌کردند، می‌دیدم. نزدیک غروب شده بود. صدای خوش نقاره‌خانه‌ها من را به نماز مغرب دعوت می‌کرد. آن ازدحام جمعیتی که برای نماز آماده شدند، واقعا دیدنی بود. نمی‌توانستم از آنجا دل بکنم. بالاخره به‌راه افتادم. به هتل رسیدم، به‌سرعت دقترچه خاطراتم را باز کردم. این‌همه خاطره قشنگ را در آن یادداشت کردم. هر بار با خواندن آن شوق رفتن به مشهد دوباره در من موج می‌زند. در آخر با یک دعا خاطره‌ام را تمام کردم: «پروردگارا! تمام افرادی را که همانند من دوست دارند به حرم هشتمین اختر تابناک بیایند و شکوه و زیبایی او را از نزدیک ببینند، به آرزویشان برسان. آمین یا رب‌العالمین»

با تشکر از هدیه با ارزش و طلایی شما، زهرا

دختر خویم زهراخانم سلام! امیدوارم روزهای شاد بهاری را با عطر و رنگ شعرها و قصه‌ها سپری کنی و هرروزت بهتر از دیروز باشد. خوشحالم که می‌نویسی و نوشتن را دوست داری. نوشته زیباییات را که سرشار از عاطفه و احساس بود، خواندم و لذت بردم. چقدر خوب است که نوشته‌هایت سرشار از جملات عاطفی و احساسی است و لذت خواندن را چندبرابر می‌کند. این‌طور نوشته‌ها به آدم کمک می‌کند که در آن فضا قرار بگیرد و حس نویسنده را درک کند. جملات قشنگی در نوشته‌ات دیدم، «من هم به نشانه احترام خم شدم»، «به‌سوی پناهگاه زائران به‌راه افتادم»، «آینه‌کاری‌های آن چشمانم را خیره کرده بود»، «پرنده‌هایی را دیدم که در اطراف حرم درحال پرواز بودند» و...

زهرا جان در نوشته‌ات که برای امام رضا(ع) بود، از این‌جور جملات بااحساس و عاطفی زیاد است و این‌طور نوشته بین متن ادبی و داستان معلق می‌ماند. عیبی ندارد که یک داستان سرشار احساس شود و جملات عاطفی داشته باشد، اما نباید موضوع اصلی را فراموش کنیم و فقط به توصیف بپردازیم.

پس تلاش کن درکنار استفاده از جملات احساسی، به موضوع اصلی هم توجه کافی داشته باشی و به آن خوب بپرداز. این نکته مهمی است. اما با این احساس و ذهن خیال‌انگیزی که تو داری، اگر دوست داشته باشی نویسنده متن‌های ادبی شوی، حتما موفق خواهی شد. چون توانایی‌ات در نوشتن احساسات و پرور آن‌ها بسیار خوب است. اگر به خواندن متن‌های ادبی علاقه‌مندی، خواندن کتاب «می‌ترسم یادت برود دوستم داشتی» اثر زیبا ملکی را از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به تو توصیه می‌کنم. مطمئن هستم که از خواندن آن لذت می‌بری. منتظر نوشته‌های قشنگت هستم.

به خدای خوب و مهربان می‌سپارم
دوست تو در مرکز آفرینش‌های ادبی کانون



پاسخ‌مرکز
آفرینش‌های ادبی
کانون خراسان رضوی:

این مسیر از خونه تا محل کار به من آموخت که وقتی مقصد جای خوبی نباشه، نمی‌شه از مسیر لذت برد.

#شاعر تنها
با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که ۲۴ ساعت آنلاینه، بعد می‌گه من چرا نمی‌رسم درس‌هامو بخونم؟!

#خوشمزه‌خان
خونه ما وقتی نون سنگک کنج‌دی گرم می‌رسه واسه صبحونه، از میدون جنگ خطرناک‌تره وضعیت.

#خیل‌خان
انسان‌های خوب خوشبختی را تعقیب نمی‌کنند؛ زندگی می‌کنند و خوشبختی پاداش مهربانی، صداقت، درستی‌کاری و گذشت آن‌هاست.

#استاد بزرگ
از یه‌جایی به‌بعد، روز تولدت بیشتر از اینکه خوشحال‌کننده باشه، ترسناکه.

#شاعر تنها

#هشتکو

جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف‌های خوشمزه زدن است.



جوری نباشید که توی آینه به‌جای خودتون، سلیقه دیگران رو ببینید.

#استاد بزرگ
من اگر ۱۰ ساعت هم برای کار وقت داشته باشم، بازم دیرم می‌شه!

#آقای همساده
بزرگ‌ترین ایراد سؤالات تستی اینه که گزینه «می‌دانم» نداره.

#تنبل‌خان
اگر احساس افسردگی دارید، درگیر گذشته هستید. اگر اضطراب دارید، درگیر آینده! و اگر آرامش دارید، در زمان حال به‌سر می‌برید.

#شاعر تنها
توی یه فیلم، ماشین داشت با ۱۶۰ کیلومتر سرعت می‌رفت که راننده یهو گذاشت توی دنده یک که شتاب بگیره

امروز امتحان کردم، گیربکس الان توی صندوق عقبه.

#خوشمزه‌خان